بررسی

فراتر از نه گفتن

شوک کلمه‌ای است که بارها و بارها پس از انتخاب دونالد ترامپ در نوامبر سال ۲۰۱۶ برای توضیح وضعیت رخ‌دادن بسیاری از افرادی که ناظر قدرت‌یابی او بوده‌اند و همچنین توضیح رویکرد شیخون‌آسای او در سیاست‌ورزی به کار رفته است. نائومی کلاین، نویسنده و محقق سرشناس کانادایی، در آخرین کتاب خود، به بدیده ترامپیسم و شرایطی که موجب برآمدن ترامپ در جامعه ایالات متحده آمریکا شد، می‌پردازد. «خلاصه حرف این کتاب این است که ترامپ، با همه افراط خود، آن‌قدر که نتیجه منطقی یک فرایند است که انحراف و ناهنجاری به حساب نمی‌آید؛ او یک اثر التقاطی از تقریبا همه روندهای نیم‌قرن گذشته است» (ص ۲۰). کلاین در این اثر چکیده مطالعات قبلی خود را در مورد ترامپ به کار می‌برد. این تحلیل‌ها که کلاین قبلا در کتاب‌ها، فیلم‌های مستند و گزارش‌های ژورنالیستی خود به آنها پرداخته بود، عبارت‌اند از: ظهور سوپرپردها، قدرت رو به گسترش دارایی خصوصی بر نظام سیاسی و تحمیل جهانی تولیوالیسم غالبا با استفاده از نژادپرستی و بیگانه‌هراسی به عنوان یک ابزار کارآمد. پیامدهای زیان‌بار تجارت آزاد شرکتی و انکار سرسختانه تغییرات اقلیمی و نقش آن در آینده مناسبات جهانی. این کتاب که پیش از این در نشر آمه با ترجمه محمدرضا فرهادی‌پور منتشر شده بود، اخیرا با ترجمه جدیدی از یوسف نوری‌زاده در نشر بیدایش منتشر شده است. کلاین در مقدمه کتاب توضیح می‌دهد که برای هر یک از کتاب‌های قبلی خود پنج یا شش سال عمیقا به مطالعه و تحقیق در موضوع مورد نظر می‌پرداخته و نتیجه آن کتاب‌های قطوری بود که یادداشت‌های پایانی زیادی در آنها وجود داشت. اما در مقابل، این کتاب را در شرایطی اضطراری و فقط در چند ماه و با زبانی محاوره‌ای نوشته تا در اولین ماه‌های ورود ترامپ به کاخ سفید منتشر شود. چون هدف اصلی آن راه‌انداختن کارزاری سیاسی مقابل ترامپ و پدیده نوظهوسیم در جامعه آمریکاست.

کتاب دو هدف عمده دارد: اول، بررسی چگونگی ظهور برند ترامپ و به قدرت‌رسیدن او در آمریکا با تکیه بر مضامین کتاب «نه به لوئیو» و سپس ارائه راه‌حل‌هایی به مردم جهت مقابله با موج کنونی که ترامپ به یاری آمده در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی جدید در آمریکا و کانادا. به عبارت دیگر، کتاب هم بدیده ترامپ را بررسی می‌کند و هم نشان می‌دهد نیروهای مترقی و جنبش‌های اجتماعی چگونه می‌توانند در برابر او بایستند. در نظر کلاین، ترامپ یک انحراف یا خلل محرکی نیست بلکه پیامد ناگزیر جیزی است که او امتیازات ویرانگر می‌نامد. او می‌گوید در این کتاب ضمن بررسی عواملی که به ظهور و انتخاب ترامپ انجامید، برخی از بحران‌های غیرالبوقوع را نیز پیش‌بینی کند. در این بحران‌ها می‌توان در مدیریت ترامپ پی گرفت که عامدانه می‌کوشد برای پیشبرد برنامه‌هایش بحران به وجود آورد. کلاین در این کتاب ترامپ را در زمینه و بستر ایده‌هایی قرار می‌دهد که تقریبا دو دهه گذشته را به تحلیل و تحقیق مفصل واداشته است. او ۱۰ سال پیش کتابی اثرگذار و جریان‌ساز با نام «دکترین شوک: ظهور سرمایه‌داری فاجعه» منتشر کرد که حاصل تحقیقاتی بود که چهار دهه از تاریخ سرمایه‌داری متاخر را دربر می‌گرفت یعنی از کشور شیلی پس از کودتای آگوستو پینوشه گرفته تا روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی. از بعدد تحت حمله «تصاحب سریع» ایالات متحده تا وضعیت نئولوژان پس از توفان کاترینا. اصطلاح «دکترین شوک» تاکتیک کاملا وحشتناکی را توصیف می‌کند که برای سواستفاده از سردرگمی مردم پس از یک شوک جمعی (جنگ‌ها، حملات تروریستی، سقوط بازارها یا بلایای طبیعی) به شرطی که دریاد و حافظه تاریخی مردم بماند. او یکی از معضلات جامعه آمریکا را فقدان نوعی حافظه جمعی می‌داند که به نظر می‌رسد معضلی جهانی است.

فصول ابتدایی کتاب متمرکز بر شوک حاصل از پیروزی ترامپ در اذهان آمریکایی‌هاست. او نشان می‌دهد چرکه ترامپ در برخی زمینه‌ها عادت‌شکنی جدی کرده اما تاکنون‌کی شوک‌آور او نسخه متکبر معینی را دنبال می‌کند؛ نسخه‌ای که به روش‌های مورد استفاده در کشورهای دیگری شباهت دارد که تغییرات سریعی را در پوشش یک بحران اعمال کرده‌اند. هدف آنها راه‌اندازی حکمی تماءمیار علیه فضاهای عمومی و منافع مشترک است. در جایگاه آنها قدرت و آزادی بی‌حدومرزی برای شرکت‌ها وجود خواهد داشت. این برنامه به دیدی طالمانه و فاسد است که اجرای آن فقط با کمک سیاست نژادی و جنسی و تقسیم و تخریر فضاهای عمومی در سایه به‌نوجهی پیشرفته امکان‌پذیر است و البته با افزایش عظیم مخارج جنگی و تشدید درگیری‌های نظامی در جبهه‌های مختلف از سوریه گرفته تا کره‌شمالی از این برنامه بشدیتی می‌شود. کلیه ترامپ که از میلیاردها و تولیدی میلیون‌های متعددی تشکیل شده است، مطالب زیادی را در اختیار ما قرار داده اساسی این دولت بیان می‌کند. کلاین ظهور ترامپ را نتیجه چند دهه سلطه فرهنگ آمریکایی می‌داند که کارزاهای از این دست را ترویج کرده است: بایستی از بازار تبعیت کند. پول تجارتی است که در زندگی اهمیت دارد. مردم سفیدپوست بیش از بقیه مردم جهانند. طبیعت برای ما ساخته شده تا آن را غارت کنیم. افراد آسیب‌پذیر مستحق سرنوشت خودشان و دلیل رخ‌دهند توجهم نباید نیز مستحق بی‌توجهی علاج خودشانند. هر چیز دولتی یا عمومی به یا شر است و ارزش وجود ندارد. چیز جایگزینی برای هیچ یک از این موارد وجود ندارد و...

کلاین در بخش پایانی کتاب بحث خود را با طرح «مانیفست جهش» جمع‌بندی می‌کند. بندهای «مانیفست جهش» تعمیم شغل و درآمد و ایدئولوژی کلی‌تر از مانیفست خود است. نویسنده آغازگر و مبدع نظریه تحلیل طبقاتی از مارکس می‌داند. با وجود اینکه مارکس خود معترف بود که مقوله مبارزه طبقاتی را اختراع نکرده و ایدعا آن را مدیون تاریخ‌نگاران سلطنت‌طلب فرانسوی است اما تردید نمی‌توان داشت که در تاریخ اندیشه هم در بعد جامعه‌شناسی‌اش و هم در بعد سیاسی، مارکس را مبدع نظریه‌ای می‌داند که مبارزه طبقاتی را سرمشعل تحولات تاریخی بشر و سمت‌وسوی می‌داند که این تاریخ اختیار کرده و خواهد کرد. نویسنده بررسی خود از طبقه متوسط را با ارجاعات محدود مارکس و انگلس در «مانیفست کمونیست» آغاز می‌کند. البته مارکس خود هیچگاه تعریفی مساءله‌زایی شده از طبقه ارائه نداد. «مدل دوطبقه‌ای» که مدت‌ها در تفکر چپ که به تبعیت از روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از بعدد تحت حمله «تصاحب سریع» ایالات متحده تا وضعیت نئولوژان پس از توفان کاترینا. اصطلاح «دکترین شوک» تاکتیک کاملا وحشتناکی را توصیف می‌کند که برای سواستفاده از سردرگمی مردم پس از یک شوک جمعی (جنگ‌ها، حملات تروریستی، سقوط بازارها یا بلایای طبیعی) به شرطی که دریاد و حافظه تاریخی مردم بماند. او یکی از معضلات جامعه آمریکا را فقدان نوعی حافظه جمعی می‌داند که به نظر می‌رسد معضلی جهانی است.

فصول ابتدایی کتاب متمرکز بر شوک حاصل از پیروزی ترامپ در اذهان آمریکایی‌هاست. او نشان می‌دهد چرکه ترامپ در برخی زمینه‌ها عادت‌شکنی جدی کرده اما تاکنون‌کی شوک‌آور او نسخه متکبر معینی را دنبال می‌کند؛ نسخه‌ای که به روش‌های مورد استفاده در کشورهای دیگری شباهت دارد که تغییرات سریعی را در پوشش یک بحران اعمال کرده‌اند. هدف آنها راه‌اندازی حکمی تماءمیار علیه فضاهای عمومی و منافع مشترک است. در جایگاه آنها قدرت و آزادی بی‌حدومرزی برای شرکت‌ها وجود خواهد داشت. این برنامه به دیدی طالمانه و فاسد است که اجرای آن فقط با کمک سیاست نژادی و جنسی و تقسیم و تخریر فضاهای عمومی در سایه به‌نوجهی پیشرفته امکان‌پذیر است و البته با افزایش عظیم مخارج جنگی و تشدید درگیری‌های نظامی در جبهه‌های مختلف از سوریه گرفته تا کره‌شمالی از این برنامه بشدیتی می‌شود. کلیه ترامپ که از میلیاردها و تولیدی میلیون‌های متعددی تشکیل شده است، مطالب زیادی را در اختیار ما قرار داده اساسی این دولت بیان می‌کند. کلاین ظهور ترامپ را نتیجه چند دهه سلطه فرهنگ آمریکایی می‌داند که کارزاهای از این دست را ترویج کرده است: بایستی از بازار تبعیت کند. پول تجارتی است که در زندگی اهمیت دارد. مردم سفیدپوست بیش از بقیه مردم جهانند. طبیعت برای ما ساخته شده تا آن را غارت کنیم. افراد آسیب‌پذیر مستحق سرنوشت خودشان و دلیل رخ‌دهند توجهم نباید نیز مستحق بی‌توجهی علاج خودشانند. هر چیز دولتی یا عمومی به یا شر است و ارزش وجود ندارد. چیز جایگزینی برای هیچ یک از این موارد وجود ندارد و...

کلاین در بخش پایانی کتاب بحث خود را با طرح «مانیفست جهش» جمع‌بندی می‌کند. بندهای «مانیفست جهش» تعمیم شغل و درآمد و ایدئولوژی کلی‌تر از مانیفست خود است. نویسنده بررسی خود از طبقه متوسط را با ارجاعات محدود مارکس و انگلس در «مانیفست کمونیست» آغاز می‌کند. البته مارکس خود هیچگاه تعریفی مساءله‌زایی شده از طبقه ارائه نداد. «مدل دوطبقه‌ای» که مدت‌ها در تفکر چپ که به تبعیت از روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از بعدد تحت حمله «تصاحب سریع» ایالات متحده تا وضعیت نئولوژان پس از توفان کاترینا. اصطلاح «دکترین شوک» تاکتیک کاملا وحشتناکی را توصیف می‌کند که برای سواستفاده از سردرگمی مردم پس از یک شوک جمعی (جنگ‌ها، حملات تروریستی، سقوط بازارها یا بلایای طبیعی) به شرطی که دریاد و حافظه تاریخی مردم بماند. او یکی از معضلات جامعه آمریکا را فقدان نوعی حافظه جمعی می‌داند که به نظر می‌رسد معضلی جهانی است.

شیطان آنکاه پیروز می‌شود که بتواند جهان را قانع کند او وجود ندارد

شارل بودلر، به نقل از «کشتن میزبان»، ص ۴۴

گروه اندیشه- چندسالی است بحث درباره نئولیبالیسم در ایران بالا گرفته است. ماهی نیست که حداقل یک مقاله تالیفی یا ترجمه با حتی کاه یک سخنرانی به طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره نئولیبرالیسم منتشر نشود. ابتدای امسال هم کتابی جدید درباره نولیبرالیسم منتشر شد: «کشتن میزبان» با ترجمه خسرو کلانتری به همت نشر بلگاه. کتاب محصول تجربیات مایکل هادسون در عالی‌ترین سطوح نظام اقتصادی در آمریکاست و بسیاری از آن‌ها در مهمترین مراجع در نقد اقتصاد نولیبرال می‌دانند. هادسون در این کتاب می‌کوشد به این مسائل پاسخ دهد که چگونه اتکای مالی و بدهی اقتصادی را نابود می‌کند. او که بیش‌تر در دانشگاه شیکاگو موسیقی و تاریخ فرهنگ خوانده بود، بعدها در دانشگاه نیویورک اقتصاد می‌خواند و در مؤسسات مالی وال‌استریت نیز کار می‌کند. ولی شاید اقتصاد را بیشتر در وال‌استریت آموخته باشد تا دانشگاه. اولین وظیفه او در وال‌استریت بررسی نحوه ایجاد بهره از پس‌اندازِ و تبدیل آن به وام رهنی جدید بود. او در وال‌استریت آموخت که «بوبایی بدهی و نقش وام رهنی چگونه کوره خاکی را تشکیل می‌دهند اما هنوز نانی از آن خورده نشده و کوره هست بین «اینها» و «آنها»، جایی در آن وسط»؛ جایی متوسط. حتی در همین متوسط مخاطب قراردادن‌شان نیز تفرعنی و سرکوفتی نهفته است. متوسط مثل متوسط‌الحال، چیزی به سبک‌وسنگی میان‌مایه. چه رسد به نام دیگری که به لطف جیب اردوتکس برای وی به مانندار مانده و نشان خواهم داد که هنوز بسیار مورد استفاده است: «خرده‌بورژوازی»». (ص ۱۴) تلاش نقفی در سراسر کتاب نشان‌دادن این نکته است که برخورد حرکات‌آمیز با این گروه در تبارز مدرن اشتباهی بزرگ بوده که منه در را حاشیه قرار داده است. به نظر او، گروه‌های مالی جامعه نه‌تنها در ارکانی گروه‌های اجتماعی در پیشبرد تحولات تمدنی غرب مدرن بودند بلکه درواقع مهم‌ترین نیروی بسیار تمامی آن ویژگی‌هایی بودند که امروزه در زمره «دستاوردهای آن تمدن به شمار می‌رود».

امروزه بانک‌ها با ما دادمدن برای خرید کنترلی، ادغام یا دیگر شیوه‌های یغماگرانه بر شرکت‌های تولیدی مسلط شده‌اند و با کوچک‌سازی، برون‌سپاری و اوراق‌کردن دارایی آنها را به ابزار درآمد و سودهی کوتاه‌مدت بدل کرده‌اند. این کار باعث شده سطح تولید و فناوری کاهش یابد و به بیکاری و تنزل سطح زندگی دامن بزند

او برای تکمیل بررسی خود در چند فصل کتاب به نمونه‌هایی از کنشل طبقات میانی در کشورهای اروپایی در دوران مدرن، پس از تولد بورژوازی و طبقه کارگر می‌پردازد. همچنین این ادعا را طرح می‌کند که «مماناتور که خواهیم دید، باز عمده‌تمامی پروژه‌های رهایی‌بخش که همگی نیز با نام سوسیالیسم شناخته شده بر دوش این گروه اجتماعی بوده است». و برای اثبات این ادعا دستاوردهایی چون کاهش ساعت کار و برقراری تامین اجتماعی را نیز که به زعم اکثر تاریخ‌نگاران مشخصا از دستاوردهای طبقات کارگر است به پای طبقات میانی می‌نویسد و بدون همراهی آنها ناممکن می‌داند. نقفی توضیح می‌دهد که در آغاز قرن بیستم این جامعه‌شناسان بودند که با نفی تلاش‌های طبقات میانی در راستای سیاست رهایی‌بخش، آنها را بار دیگر در جایگاه «فرومایه»ای که مارکس و انگلس برای آنها تعیین کرده بودند نشاندند.

کتاب «نه طبقه - نه متوسط» علاوه بر مقدمه از شش فصل و یک مؤخره تشکیل شده است. نویسنده در فصل اول به تبیین وضعیت «رویکردهایی به تحلیل طبقاتی» از نمونه‌های ارزشمند این نوع اتکا به نقش طبقه متوسط به‌خصوص طبقه متوسط جدید در تحولات سیاسی دوران معاصر محسوب می‌شوند. نقفی نیز بر این بستر تلاش کرده برخی ابهامات حول این مفهوم، به‌ویژه نادیده گرفته‌شدن و حتی آنها در «تاریخ» را در اثر خود روشن کند. آنگونه که او در مقدمه توضیح می‌دهد این کتاب درباره «این ناهمزمان‌های تاریخ» است: «جماعتی که اکثریت قاطع این گروه خاکی را تشکیل می‌دهند اما هنوز نانی از آن نخورده و کوهی هست بین «اینها» و «آنها»، جایی در آن وسط»؛ طبقه متوسط. حتی در همین متوسط مخاطب قراردادن‌شان نیز تفرعنی و سرکوفتی نهفته است. متوسط مثل متوسط‌الحال، چیزی به سبک‌وسنگی میان‌مایه. چه رسد به نام دیگری که به لطف جیب اردوتکس برای وی به مانندار مانده و نشان خواهم داد که هنوز بسیار مورد استفاده است: «خرده‌بورژوازی»». (ص ۱۴) تلاش نقفی در سراسر کتاب نشان‌دادن این نکته است که برخورد حرکات‌آمیز با این گروه در تبارز مدرن اشتباهی بزرگ بوده که منه در را حاشیه قرار داده است. به نظر او، گروه‌های مالی جامعه نه‌تنها در ارکانی گروه‌های اجتماعی در پیشبرد تحولات تمدنی غرب مدرن بودند بلکه درواقع مهم‌ترین نیروی بسیار تمامی آن ویژگی‌هایی بودند که امروزه در زمره «دستاوردهای آن تمدن به شمار می‌رود».

او برای تکمیل بررسی خود در چند فصل کتاب به نمونه‌هایی از کنشل طبقات میانی در کشورهای اروپایی در دوران مدرن، پس از تولد بورژوازی و طبقه کارگر می‌پردازد. همچنین این ادعا را طرح می‌کند که «مماناتور که خواهیم دید، باز عمده‌تمامی پروژه‌های رهایی‌بخش که همگی نیز با نام سوسیالیسم شناخته شده بر دوش این گروه اجتماعی بوده است». و برای اثبات این ادعا دستاوردهایی چون کاهش ساعت کار و برقراری تامین اجتماعی را نیز که به زعم اکثر تاریخ‌نگاران مشخصا از دستاوردهای طبقات کارگر است به پای طبقات میانی می‌نویسد و بدون همراهی آنها ناممکن می‌داند. نقفی توضیح می‌دهد که در آغاز قرن بیستم این جامعه‌شناسان بودند که با نفی تلاش‌های طبقات میانی در راستای سیاست رهایی‌بخش، آنها را بار دیگر در جایگاه «فرومایه»ای که مارکس و انگلس برای آنها تعیین کرده بودند نشاندند.

کتاب «نه طبقه - نه متوسط» علاوه بر مقدمه از شش فصل و یک مؤخره تشکیل شده است. نویسنده در فصل اول به تبیین وضعیت

نه گفتن کافی نیست
نائومی کلاین
ترجمه: یوسف نوری‌زاده
نشر: بیدایش
چاپ اول: ۱۳۹۸
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

نه طبقه - نه متوسط
مراد ثقفی
نشر: شیرازه کتاب ما
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

چه چیز اقتصاد جهانی را نابود می‌کند؟

هجوم «انگل‌ها» به «اقتصاد میزبان»

هادسن درباره انتخاب استعاره «انگل» برای بحث خود توضیح مبسوطی می‌دهد. او نظریه‌پرداز واژه انگل در زیست‌شناسی استعاره‌ای است برگرفته از یونان باستان. بعدها در دوران روم این واژه معنای مفت‌خور زائد به کسه خورفت. در واقع موقعیت انگل از فردی کـه در انجام امری عمومی یاری می‌رساند تقلیـل یافت به مهمانی ناخوانده که سرزده بر سر سفره‌ای خصوصی می‌نشست. شخصی فربه که در نمایش‌های کمدی با تظاهر و تملق راه خود را باز می‌کرد. بعدها واعظـان و اصلاح‌طلبان قرون میانه راخـواران را انگل و واژه خطاب کردند. از آن پس بسیاری از نویسندگان مسائل اقتصادی، بانکداران، به‌ویـژه بانکـداران بین‌المللی، را انگل نامیدند. گذشـته از اینها، در زیست‌شناسـی نیز انگل به ارگانیسم‌هایی مثل کرم کدو و واژه اولالو مبـدل می‌شـود که از میزبان‌های بزرگ‌تری ارتـزاق می‌کنند. اما در اصطلاح «اقتصاد میزبان»، نیز بر ایده زندگی انگلی به عنوان یک همزیستی مثبت تاکید می‌شـود. اقتصادی که از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال می‌کند. شـبیه به استفاده از زالو در علم پزشکی. زالو با مکیدن خون یک بیمار یک آنزیم ضدانعقادی به بدن بیمـار تزریق می‌کند که به جلوگیری از التهـاب کمک می‌کند و درنتیجه بدن را به سـوی بهبـودی می‌برد. با این روش جورج واشـنگتن و ژوزف استالین در بستر مرگ بـودند. این ایده بسـیار شـبیه اسـت به دیدگاه پول‌محوران امـروز از ریاضت اقتصادی. از این‌رو، از دو نوع انگل‌واری صحبت می‌شـود: هوشـمند و خودویرانگر. هادسـن تاکید دارد «انگل‌واری مالی امروزه دیگر لازم برای سرمایه‌گذاری و رشد را می‌کند. بانکداران و صاحبان اوراق قرضه با خدا درآمد، به منظور برداخت بهره و سـود سهام، اقتصاد میزبان را می‌خشکانند. بازپرداخت یک وام - اسـهلاک یا «کشش» آن - میزبان را منقبض می‌کند. آنگاه که اقتصاد میزبان خوراک مفت‌خورهای مالی‌ای می‌شود که بدون داشتن سـهمی در تولید، بهره و کارمزد و هزینه‌های دیگر کسب می‌کنند. اقتصاد مالی‌شده به قبرستان تبدیل می‌شود».

هادسن در برابر این وضعیت پرسشـی تعیین‌کننده مطرح می‌کند: آیـا مرگ میزبان، چه در اقتصادی مالی‌شـده چه در طبیعـت زیسـتی، نتیجه‌ای ضروری اسـت یا می‌تواند هم‌زیسـتی متبنتری بـه وجود آید؟ او پاسخ به این سؤال را مشروط می‌کند به این سؤال که آیا میزبان می‌تواند در برابر هجوم انگل بر خود مسلط شود.

رئوس دوازده‌گانه «کشتن میزبان»

کتابه به دوازده موضوع زیر می‌پردازد:

۱) هادسـن سرنوشـت هرکشـوری را وابسـته می‌دانـد به دو مجموعـه از روابـط اقتصادی. در نظر او بیشـتر کتاب‌های درسـی بـر اقتصاد «واقعی» تولید و مصـرف تاکید دارنـد که مبتنی اسـت بر اسـتفاده از کار، ابزار تولید و زمین بالقوه فناوری. او این اقتصاد را اقتصاد واقعی شـماره یک می‌نامد و اضافه می‌کند کـه این اقتصاد در شـبکه‌های حقوقـی و نهـادی از اعتبار و بهـره، روابط ملکی و مزایای مالکیتی پوشـیده شده اسـت. در مقابل این اقتصاد از اقتصاد شـماره دو صحبـت می‌کند که بر بخش مالی، بیمه و مسـتغلات متمرکز اسـت. اقتصاد شـماره دو سهمی مولد در اقتصاد شماره یک دارد. هادسن نشان می‌دهد که چگونه این اقتصاد «بدهـی و مالکیت» عایدی‌های اقتصادی‌اش را به کنترل سیاسـی تبدیـل می‌کند تا برداخت بدهی‌ها و حفظ مزایای رانت منابع طبیعی و انحصـاری را اعمـال کند. طبق چنین تعریفی بهـره و رانت چیزی نیسـتند جز «برداخت‌های انتقالی» از اقتصاد شـماره یک به اقتصاد شماره دو. هادسـن با همین تعریف این افسانه را که «درآمد هرکس متناسب است با سهم او در تولیـد» می‌زداید. سـپس، نقش بانک‌ها را برای سـرمایه‌گذاری ملمـوس در کارخانه، ابزار

طبقـه متوسـط مفهومـی کنـگ و مناقشـه‌انگیز در علـوم اجتماعی است. بیشـتر کنگی و ابهام موجود حول این مفهوم به تعریـف طبقات میانـی در آثار مارکس بازمی‌گـردد، یعنی زمانی که «طبقه متوسـط جدید» هنوز شـکل نگرفته بود. این موضوع باعث تحلیل‌های متفـاوت و گاه صدنوظیف به‌خصوص در مورد نقش عاملیت میانـی این طبقه در تحولات تاریخی شـد. مراد نقفی، روزنامه‌نگار و پژوهشـگر مسـائل سیاسـی، در اولین کتاب خود با عنوان «نه طبقه - نه متوسط» که به تازگی منتشـر شده به این موضوع می‌پردازد. این کتاب نگاهـی انتقادی به مفهوم «تحلیل طبقاتی» و برخورد تحقیرآمیز جامعه‌شناسـی با مفهوم طبقه متوسـط دارد. کتاب در انتشـارات شـیرازه منتشر شده که نامه تخصصـی کتب علوم سیاسـی و اجتماعی اسـت و نقفی خود مدیر آن اسـت. در توضیح ناشـر در معرفـی این کتاب آمده اسـت: «کتاب حاضر نقد و ارزیابی روش «تحلیل طبقاتی» اسـت در تبیین فاعلیـت جمعی در سیاسـت‌های رهایی‌بخش. نقد، از طرفی مقایسـه میان مفاهیم نارایی که روش تحلیل طبقاتی بـا گروه‌هـای میانی جامعه در تبیین این فاعلیت جمعی قائل بودند، با نقشـی که عمال آن گروه‌ها در این زمینـه ایفا کرده‌اند. به عبارت دیگر، از طرفی مقایسـه میان بی‌نقشی ناظمی تالفه آنها در فلسفه تاریخ مارکسیسـتی و نقش بالفعل آنها در تاریـخ، به آن صورتی که در واقعیـت شـکل گرفت». عـنوان کتاب، از جمله رانکـه دانـدروف افراد آسیب‌پذیر مستحق سرنوشت خودشان و دلیل رخ‌دهند توجهش نباید نیز مسـتحق بی‌توجهی علاج خودشـانند. هر چیز دولتی یا عمومی به یا شر است و ارزش وجود ندارد. چیز جایگزینی برای هیچ یک از این موارد وجود ندارد و...

کلاین در بخش پایانی کتاب بحث خود را با طرح «مانیفسـت جهـش» جمع‌بندی می‌کند. بندهای «مانیفسـت جهـش» تعمیم شغل و درآمد و ایدئولوژی کلی‌تر از مانیفسـت خود اسـت. نویسنده بررسی خود از طبقه متوسط را با ارجاعـات محدود مارکس و انگلس در «مانیفسـت کمونیسـت» آغاز می‌کند. البته مارکس خود هیچگاه تعریفی مساءله‌زایی‌شـده از طبقـه ارائه نداد. «مدل دوطبقـه‌ای» کـه مدت‌ها در تفکر چپ که به تبعیت از روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از بعدد تحت حمله «تصاحب سریع» ایالات متحده تا وضعیت نئولوژان پس از توفان کاترینـا. اصطلاح «دکترین شـوک» تاکتیک کاملا وحشـتناکی را توصیف می‌کند که برای سواستفاده از سردرگمی مردم پس از یک شوک جمعی (جنگ‌ها، حملات تروریستی، سقوط بازارها یا بلایای طبیعی) به شرطی که دریاد و حافظه تاریخی مردم بماند. او یکی از معضلات جامعه آمریکا را فقدان نوعی حافظه جمعی می‌داند که به نظر می‌رسد معضلی جهانی است.

فصول ابتدایی کتاب متمرکز بر شـوک حاصل از پیـروزی ترامپ در اذهان آمریکایی‌هاسـت. او نشان می‌دهد چرکه ترامپ در برخی زمینـه‌ها عادت‌شـکنی جدی کـرده اما تاکنون‌کی شوک‌آور او نسخه متکبر معینی را دنبال می‌کند؛ نسـخه‌ای که به روش‌های مورد اسـتفاده در کشـورهای دیگری شباهت دارد که تغییرات سریعی را در پوشش یک بحران اعمال کرده‌انـد. هدف آنها راه‌اندازی حکمی تماءمیار علیه فضاهای عمومی و منافع مشترک اسـت. در جایگاه آنها قدرت و آزادی بی‌حدومرزی برای شرکت‌ها وجود خواهد داشت. این برنامه به دیدی طالمانه و فاسد اسـت که اجرای آن فقط با کمک سیاسـت نژادی و جنسـی و تقسیم و تخریر فضاهای عمومی در سایه به‌نوجهی پیشرفته امکان‌پذیر اسـت و البته با افزایش عظیم مخارج جنگی و تشدید درگیری‌های نظامی در جبهه‌های مختلف از سوریه گرفته تا کره‌شمالی از این برنامه بشدیتی می‌شود. کلیه ترامپ که از میلیاردها و تولیدی میلیون‌های متعددی تشکیل شده اسـت، مطالب زیادی را در اختیار ما قرار داده اساسی این دولت بیان می‌کند. کلاین ظهور ترامپ را نتیجه چند دهه سـلطه فرهنگ آمریکایی می‌داند که کارزاهای از این دسـت را ترویج کرده اسـت: بایستی از بازار تبعیت کند. پول تجارتی اسـت که در زندگی اهمیت دارد. مردم سفیدپوسـت بیش از بقیه مردم جهانند. طبیعت برای ما سـاخته شده تا آن را غارت کنیم. افراد آسـیب‌پذیر مسـتحق سـرنوشت خودشـان و دلیـل رخ‌دهنـد توجهم نباید نیز مسـتحق بی‌توجهی علاج خودشـانند. هر چیز دولتی یا عمومی به یا شر اسـت و ارزش وجود ندارد. چیز جایگزینی برای هیچ یک از این موارد وجود ندارد و...

کلاین در بخش پایانی کتاب بحث خود را با طرح «مانیفسـت جهـش» جمع‌بندی می‌کند. بندهای «مانیفسـت جهـش» تعمیم شغل و درآمد و ایدئولوژی کلی‌تر از مانیفسـت خود اسـت. نویسنده بررسی خود از طبقه متوسط را با ارجاعـات محدود مارکس و انگلس در «مانیفسـت کمونیسـت» آغاز می‌کند. البته مارکس خود هیچگاه تعریفی مساءله‌زایی‌شـده از طبقـه ارائه نداد. «مدل دوطبقـه‌ای» کـه مدت‌ها در تفکر چپ که به تبعیت از روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از بعدد تحت حمله «تصاحب سریع» ایالات متحده تا وضعیت نئولوژان پس از توفان کاترینـا. اصطلاح «دکترین شـوک» تاکتیک کاملا وحشـتناکی را توصیف می‌کند که برای سواستفاده از سردرگمی مردم پس از یک شوک جمعی (جنگ‌ها، حملات تروریستی، سقوط بازارها یا بلایای طبیعی) به شرطی که دریاد و حافظه تاریخی مردم بماند. او یکی از معضلات جامعه آمریکا را فقدان نوعی حافظه جمعی می‌داند که به نظر می‌رسد معضلی جهانی است.

فصول ابتدایی کتاب متمرکز بر شـوک حاصل از پیـروزی ترامپ در اذهان آمریکایی‌هاسـت. او نشان می‌دهد چرکه ترامپ در برخی زمینـه‌ها عادت‌شـکنی جدی کـرده اما تاکنون‌کی شوک‌آور او نسخه متکبر معینی را دنبال می‌کند؛ نسـخه‌ای که به روش‌های مورد اسـتفاده در کشـورهای دیگری شباهت دارد که تغییرات سریعی را در پوشش یک بحران اعمال کرده‌انـد. هدف آنها راه‌اندازی حکمی تماءمیار علیه فضاهای عمومی و منافع مشترک اسـت. در جایگاه آنها قدرت و آزادی بی‌حدومرزی برای شرکت‌ها وجود خواهد داشت. این برنامه به دیدی طالمانه و فاسد اسـت که اجرای آن فقط با کمک سیاسـت نژادی و جنسـی و تقسیم و تخریر فضاهای عمومی در سایه به‌نوجهی پیشرفته امکان‌پذیر اسـت و البته با افزایش عظیم مخارج جنگی و تشدید درگیری‌های نظامی در جبهه‌های مختلف از سوریه گرفته تا کره‌شمالی از این برنامه بشدیتی می‌شود. کلیه ترامپ که از میلیاردها و تولیدی میلیون‌های متعددی تشکیل شده اسـت، مطالب زیادی را در اختیار ما قرار داده اساسی این دولت بیان می‌کند. کلاین ظهور ترامپ را نتیجه چند دهه سـلطه فرهنگ آمریکایی می‌داند که کارزاهای از این دسـت را ترویج کرده اسـت: بایستی از بازار تبعیت کند. پول تجارتی اسـت که در زندگی اهمیت دارد. مردم سفیدپوسـت بیش از بقیه مردم جهانند. طبیعت برای ما سـاخته شده تا آن را غارت کنیم. افراد آسـیب‌پذیر مسـتحق سـرنوشت خودشـان و دلیـل رخ‌دهنـد توجهم نباید نیز مسـتحق بی‌توجهی علاج خودشـانند. هر چیز دولتی یا عمومی به یا شر اسـت و ارزش وجود ندارد. چیز جایگزینی برای هیچ یک از این موارد وجود ندارد و...

کلاین در بخش پایانی کتاب بحث خود را با طرح «مانیفسـت جهـش» جمع‌بندی می‌کند. بندهای «مانیفسـت جهـش» تعمیم شغل و درآمد و ایدئولوژی کلی‌تر از مانیفسـت خود اسـت. نویسنده بررسی خود از طبقه متوسط را با ارجاعـات محدود مارکس و انگلس در «مانیفسـت کمونیسـت» آغاز می‌کند. البته مارکس خود هیچگاه تعریفی مساءله‌زایی‌شـده از طبقـه ارائه نداد. «مدل دوطبقـه‌ای» کـه مدت‌ها در تفکر چپ که به تبعیت از روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از بعدد تحت حمله «تصاحب سریع» ایالات متحده تا وضعیت نئولوژان پس از توفان کاترینـا. اصطلاح «دکترین شـوک» تاکتیک کاملا وحشـتناکی را توصیف می‌کند که برای سواستفاده از سردرگمی مردم پس از یک شوک جمعی (جنگ‌ها، حملات تروریستی، سقوط بازارها یا بلایای طبیعی) به شرطی که دریاد و حافظه تاریخی مردم بماند. او یکی از معضلات جامعه آمریکا را فقدان نوعی حافظه جمعی می‌داند که به نظر می‌رسد معضلی جهانی است.

فصول ابتدایی کتاب متمرکز بر شـوک حاصل از پیـروزی ترامپ در اذهان آمریکایی‌هاسـت. او نشان می‌دهد چرکه ترامپ در برخی زمینـه‌ها عادت‌شـکنی جدی کـرده اما تاکنون‌کی شوک‌آور او نسخه متکبر معینی را دنبال می‌کند؛ نسـخه‌ای که به روش‌های مورد اسـتفاده در کشـورهای دیگری شباهت دارد که تغییرات سریعی را در پوشش یک بحران اعمال کرده‌انـد. هدف آنها راه‌اندازی حکمی تماءمیار علیه فضاهای عمومی و منافع مشترک اسـت. در جایگاه آنها قدرت و آزادی بی‌حدومرزی برای شرکت‌ها وجود خواهد داشت. این برنامه به دیدی طالمانه و فاسد اسـت که اجرای آن فقط با کمک سیاسـت نژادی و جنسـی و تقسیم و تخریر فضاهای عمومی در سایه به‌نوجهی پیشرفته امکان‌پذیر اسـت و البته با افزایش عظیم مخارج جنگی و تشدید درگیری‌های نظامی در جبهه‌های مختلف از سوریه گرفته تا کره‌شمالی از این برنامه بشدیتی می‌شود. کلیه ترامپ که از میلیاردها و تولیدی میلیون‌های متعددی تشکیل شده اسـت، مطالب زیادی را در اختی